

# مقدمه

## نگاهی کلی به اندیشه‌ی مقام معظم رهبری حول محور امامت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### مقدمه

یکی از اصول اساسی اندیشه‌ی کلامی و سیاسی شیعه، اعتقاد به مسأله‌ی امامت و رهبری است؛ اعتقاد به تداوم رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که تبلور تمام عیار آن در امامت شیعی است. نحوه‌ی تفسیر و تحلیل ارائه شده از آن، باعث ایجاد فرقه‌ها و نحله‌های گوناگون در کلام سیاسی در میان مسلمانان گردیده است.

بدین روی، امامت، در معرض تفسیرها و تحلیل‌های گوناگونی قرار گرفته است.

براساس تفکر شیعی، و براساس فلسفه‌ی سیاسی خاصی که شیعه به آن



اعتقاد دارد، امامت در رأس هرم جامعه و حاکمیت اجتماعی و دینی مردم قرار دارد. امام، در این تحلیل، کسی است که سرنوشت امور دینی، اخلاقی، دنیایی (سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، قضایی و...) مردم را به عهده می‌گیرد. به همین جهت شناخت امامان علیهم‌السلام و شناخت موضع‌گیری معرفتی، فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی آنان، یکی از مسائل مهمی است که ذهن هر شیعه‌ای را به خود مشغول داشته است. این شناخت یک وظیفه است و به عنوان لزوم معرفه‌الامام، در مطاوی روایی ما مطرح است. نتیجه‌ی نشناختن امام فروافتادن در ورطه‌ی گمراهی و مردن به مرگ جاهلیت است.

«یکی از وظایف بسیار مهم مسلمانان، شناخت سیره و شخصیت ائمه طاهرین علیهم‌السلام است، زیرا عمل کردن به روش آنان، سعادت دارین را دربردارد. به همین دلیل است که می‌بینیم عدم شناخت سیره و شخصیت آنها در طول زمان، نشان داده است که چه بدبختی‌ها و ضلالت‌هایی را برای مسلمانان جهان به همراه داشته است» (مقام معظم رهبری، درسایه‌های حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰).

«اگر چه شناخت وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام، از عهده‌ی افراد برجسته و عالی رتبه، اعم از عرفا و فیلسوفان و مورخین و دانشمندان و متفکرین و... خارج است، تا چه رسد به ما تهی‌دستان و از راه به دور ماندگان، [با این وجود بر ماست که] به اندازه‌ی معرفت خود در جهت شناسایی و شناساندن سیره‌ی آنان، که در نتیجه شناخت‌شان می‌باشد، کوشش کرده و لحظه‌ای از پای ننشینیم» (مقام معظم رهبری، درسایه‌های حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹).

در طول تاریخ اندیشه‌ی اسلامی و فلسفه‌ی مذهبی و سیاسی شیعه، فیلسوفان و مسلمانان شیعی، همواره مسأله‌ی امامت را در نقطه‌ی محوری تلاش‌های عالمانه‌ی خود قرار داده‌اند. در این بررسی ما در

صدد ارائه‌ی اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حول محور امامت هستیم. گرچه این مسأله از زوایه‌های مختلفی همچون زاویه‌ی عرفانی، فقهی، کلامی و تاریخی مورد تحلیل قرار گرفته است، لکن معظم له مسأله‌ی امامت را بیشتر با صبغه‌ی فکری، فرهنگی، تاریخی و سیاسی و در مجموع به عنوان یک حرکت همه‌جانبه‌ی مستمر طولانی مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

«زندگی ائمه علیهم‌السلام را ما به عنوان درس و اسوه باید فراگیریم، و نه فقط به عنوان خاطره‌ای شکوه‌مند و ارزنده، و این، بدون توجه به روش و منش سیاسی این بزرگواران ممکن نیست. بنده شخصاً علاقه به این بعد از زندگی ائمه علیهم‌السلام پیدا کردم و بد نیست که این را عرض بکنم که اول بار، این فکر برای بنده در سال ۱۳۵۰، در دوران محنت بار یک امتحان و ابتلای دشواری پیدا شد. اگرچه قبل از آن به ائمه علیهم‌السلام، به صورت مبارزات بزرگی که در راه اعتلای کلمه‌ی توحید و استقرار حکومت الهی فداکاری می‌کردند، توجه داشتم، اما نکته‌ای که در آن برهه، ناگهان برای من روشن شد، این بود که زندگی این بزرگواران، علیرغم تفاوت ظاهری که حتی بعضی در آن احساس تناقض کرده‌اند، در مجموع، یک حرکت مستمر طولانی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵، ۸).

بر همین مبنا این حرکت را به عنوان یک استراتژی کلی با روش‌های متفاوت در زندگی ائمه علیهم‌السلام، تلقی و تبیین نموده‌اند.

امامت، مبنای‌ترین اصل فلسفه سیاسی شیعه است، که در دیدگاه نافذ مقام معظم رهبری از زوایه‌های گوناگونی، مورد تحلیل عالمانه قرار گرفته است. دیدگاه‌های معظم له در سه دوره‌ی پیش از انقلاب اسلامی، دوره‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و در مقطع رهبری داهیانیه‌ی ایشان ارائه گردیده است. سیر کلی مباحث از منظر ایشان بدین شکل قابل ارزیابی است: چپستی و مفهوم امامت، که همان بشوایی و طلایه داری حرکت

جامعه‌ی انسانی است. ساختار امامت، ادامه‌ی نبوت است. شناخت امامان علیهم‌السلام، یک رسالت معرفتی سترگ است که جوامع دینی باید به آن روی بیاورند.

فلسفه‌ی امامت، در ادامه‌ی کار نبوت و رسالت، قابل ارزیابی است. امامان علیهم‌السلام در سیر حرکتی‌شان استراتژی واحدی داشته و از تاکتیک‌ها و روش‌های گوناگونی بهره می‌جستند.

تاریخ امامت، به چهار دوره‌ی مشخص تقسیم گردیده است که در هر دوره‌ای ارزیابی و تدقیقات خردورانه‌ای از ناحیه‌ی معظم‌له صورت گرفته است. سپس به مسأله‌ی ولایت، که از لوازم لاینفک امامت است، پرداخته شده و در نهایت مقوله‌ی مهدویت، در استراتژی و خط سیر کلی عملی، همان سیر نبوت و امامت راستین معرفی گردیده است.

### منابع و مأخذ

- ۱) مقام معظم رهبری (۱۳۵۹)، دروس مواضع حزب جمهوری اسلامی.
- ۲) خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری) (۱۳۶۵)، عنصر مبارزه در زندگی ائمه علیهم‌السلام.
- ۳) مقام معظم رهبری (۱۳۵۵)، درس‌نامه‌های حزب جمهوری اسلامی.
- ۴) مقام معظم رهبری (۱۳۶۵)، مشهد، دومین کنگره‌ی جهانی حضرت رضا علیه‌السلام.